

## فرایند واژه‌سازی در واژگان غیربسیط اشعار و ترانه‌های عامیانه کردی کلهری

(نمونه آماری: گنجینه‌های بر باد یاد)

وحید سجادی فر (نویسنده مسئول)

دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران  
vahid.sajjadifar1984@gmail.com

نسترن کسانی

کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران  
nastarankasani66@gmail.com

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۶ اسفند ۱۴۰۰، تاریخ پذیرش: ۱۳ آذر ۱۴۰۲، صص. ۲۹۶-۲۶۳

DOI: <https://doi.org/10.22034/jokl.2024.63035>

### چکیده

اشعار عامیانه گُردی کلهری از جمله بخش‌های ارزشمند ادبیات عامیانه مردمان گُرد زبان مناطق مختلف کرمانشاه و ایلام است. در این اشعار بسیاری از واژگان با توجه به ضرورت‌های معنایی و موسیقایی، دارای ساختاری غیر بسیط هستند و بر اساس فرایندهای واژه‌سازی گوناگونی ساخته شده‌اند که شیوه ساخت آنها می‌تواند پایگانی یا ناپایگانی باشد و بی‌شک هر کدام از این واژگان، دارای یک مقوله دستوری خاص است. مطالعه ساختار واژگان غیربسیط در این اشعار از دیدگاه‌های یادشده، می‌تواند شناختی روشن از فرایند واژه‌سازی در آنها را ارائه دهد. در این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی-تطبیقی و مطالعه موردی، کوشش شده با توجه به هم‌خانواده بودن زبان‌های گُردی و فارسی، فرایند واژه‌سازی در واژگان غیر بسیط به کار رفته در اشعار عامیانه گُردی کلهری، گردآوری شده در کتاب گنجینه‌های بر باد یاد ابراهیم رحیمی زنگنه و همکاران، بر پایه سیزده فرایند واژه‌سازی شقاقی (۱۳۸۶) از دیدگاه چگونگی فرایند واژه‌سازی، مقولات دستوری و شیوه پایگانی یا ناپایگانی بررسی شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد

### کورتیه

نده‌بیاتی فولکلور بواریکی گرنکه بؤ لیکۆلینه‌وه‌ی ریزمانی و زمانه‌وانی؛ چونکه زۆر وشه له زمانی ره‌سندا که به‌ره‌مه‌ده‌هینرین و جی‌ده‌که‌ون، ورده‌ورده ده‌خرپنه ناو زمانی فه‌رمی. له‌م به‌شه‌دا شیعه فولکلورییه‌کانی کوردی که‌له‌ه‌وری- لقی باشوور- له به‌شه به‌نرخه‌کانی نده‌بیاتی فولکلوری خه‌لکی کورد زمانی ناوچه جیاجی‌کانی کرماشان و ئیلامن. له‌م شیعرانه‌دا، به وردبوونه له پیویستی واتایی و مؤسیقای، درده‌که‌ویت زۆرئیک له وشه‌کان پیکهاته‌یه‌کی ناساده‌یان هه‌یه و له‌سه‌ر بنه‌مای پرۆسه‌ی جۆراوجۆری وشه‌سازی دروست ده‌کرین، که ده‌کریت شیوه‌ی دارشتنیان پایگانی، یان ناپایگانی بن و بی‌گومان هه‌ریه‌ک له‌م وشانه پۆلینیکی تابه‌تی ریزمانیان هه‌یه. لیکۆلینه‌وه له پیکهاته‌ی وشه ناساده‌کانی ناو‌هم شیعرانه له روانگه خاله‌ ئاماژه‌پیکراوه‌کان ده‌توانیت تیگه‌یشتنیکی روون له پرۆسه‌ی وشه‌سازی بخاته‌روو. له‌م لیکۆلینه‌وه‌یه‌دا به‌ پشت‌به‌ستن به‌ میتۆدی وه‌سفیی- به‌راوردی و خویندنه‌وه‌ی بابه‌تی؛ هه‌ول دراوه به‌پیتی نده‌وه‌ی زمانی کوردی و فارسی له‌یه‌ک بنه‌ماله‌ن؛ پرۆسه‌ی وشه‌سازی له وشه‌کانی ناساده‌دا له شیعه

که فرایند واژه‌سازی در واژگان غیربسیط این اشعار، در قالب پنج فرایند واژه‌سازی ترکیب، اشتقاق، ترکیب- اشتقاق، تکرار و ترخیم ساخته شده‌اند که دارای مقوله‌های دستوری اسم، صفت، قید و اسم مصدر هستند و فرایند واژه‌سازی در تمامی موارد، فرایندی پایگانی می‌باشد.

فولکلوریه کوردییه کانی که لهوریدا له کتیبی «گنجینه‌های برباد یاد» کوکراوه‌ی ئیبراهیم ره‌حیمی زه‌نگنه و هاوکارانی که به کاره‌نراون؛ له‌سه‌ر بنه‌مای سیزده پرۆسه‌ی وشه‌سازی شه‌قاقی (۱۳۸۶) له روانگه‌ی چۆنیه‌تی پرۆسه‌ی وشه‌سازی، پیوه‌ره‌کانی ریزمانی و شیوازه‌کانی پایگانی، یان ناپایگانی تاوتووی بکری‌ن. ده‌رئه‌نجامه‌کانی ئهم لیکۆلینه‌وه‌یه ده‌ریده‌خن پرۆسه‌ی وشه‌سازی له وشه‌ناساده‌کانی ئهم شیعرانه‌دا له فورمی پینچ پرۆسه‌ی وشه‌سازی: لیکدراو، وشه‌دارپژ، لیکدراو-وشه‌دارپژ، دووپات و کورت‌کردنه‌وه‌ی پیک‌ها‌توون که بابه‌ته ریزمانیه‌کانی ناو، ئاوه‌ناو، ناوی چاوگ له‌خۆده‌گرن و پرۆسه‌ی وشه‌سازی له‌وبابه‌تانه‌دا، پرۆسه‌یه‌کی پایگانییه.

**وشه‌گه‌لی سه‌ره‌کی:** پرۆسه‌ی وشه‌سازی؛ شه‌قاقی؛ شیعیری فولکلوری کوردی که لهوری؛ بابه‌تی ریزمانی؛ وشه‌ی ساده.

**واژگان کلیدی:** فرایند واژه‌سازی؛ شقاقی؛ اشعار عامیانه‌ی کردی کلهری؛ مقوله‌ی دستوری، واژه‌بسیط.

## ۱- مقدمه

ادبیات عامیانه گستره‌ای با اهمیت برای مطالعات دستوری و زبانی است؛ چرا که این گونه آثار از دل زبان و فرهنگ عامیانه نمود می‌یابند و در خود بسیاری از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های زبانی را حفظ می‌کنند. از سوی دیگر، بسیاری از واژگان ابتدا در عرصه‌ی زبان عامیانه تولید و تثبیت گردیده است و به مرور وارد نوشتار نیز می‌شوند. اشعار و ترانه‌های عامیانه‌ی کردی از جمله بخش‌های ارزشمند ادبیات عامه‌ی مردمان گرد زبان مناطق مختلف کرمانشاه و ایلام است که گونه‌هایی چون: لالایی‌ها، کارآواها، ترانه‌های کودکانه، اشعار آیینی و مجلسی و... را دربر می‌گیرند. بسیاری از واژگان به کار رفته در این اشعار، با توجه به ضرورت‌ها و الزامات معنایی و موسیقایی، واژگانی غیربسیط هستند که بر اساس فرایندهای واژه‌سازی گوناگونی ساخته شده‌اند؛ هر یک از این واژگان غیر بسیط، در نهایت مقولات دستوری خاصی را ایجاد کرده‌اند. شناخت این فرایندهای

واژه‌سازی و مقولات ایجاد شده، می‌تواند درک بهتری از ساختار واژگانی در این گونه اشعار را ارائه دهد. در این پژوهش چگونگی فرایند واژه‌سازی و مقولات ایجاد شده از آنها، در واژگان غیر بسیط به کار رفته در اشعار عامیانه گُردی کلهری به عنوان یک مسئله مهم مطرح شده است و بر پایه آن سه پرسش عمده به شرح ذیل مطرح می‌شود:

۱. واژگان غیر بسیط به کار رفته در اشعار عامیانه گُردی کلهری از چه فرایندهای واژه‌سازی پیروی می‌کنند؟

۲. فرایندهای واژه‌سازی در واژگان غیر بسیط این اشعار دارای چه ساختاری هستند و چه مقولات دستوری‌ای ایجاد کرده‌اند؟

این پژوهش بر پایه روش توصیفی- تطبیقی و مطالعه موردی استوار است و سعی دارد با توجه به هم‌خانواده بودن زبان‌های گُردی و فارسی و با تکیه بر سیزده فرایند واژه‌سازی طبقه‌بندی شده توسط شقاقی (۱۳۸۶)، فرایند واژه‌سازی در واژگان غیر بسیط به کار رفته در اشعار عامیانه گُردی کلهری، گردآوری شده در کتاب گنجینه‌های برباد یاد ابراهیم رحیمی زنگنه و همکاران را بررسی نماید تا ضمن روشن شدن مسئله پژوهش، پرسش‌های پژوهش نیز پاسخ داده شوند.

### ۱-۱- پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهش‌های گوناگونی در مورد فرایند واژه‌سازی در زبان‌های ایرانی انجام گرفته است که برخی از آنها به شرح زیر هستند: طباطبائی (۱۳۸۴) فرایند واژه‌سازی در فرهنگ اصطلاحات خودرو را بررسی کرده و در آن به این نتیجه رسیده است که در فرایند واژه‌سازی در این دست از واژگان، از روش‌هایی مانند ساخت گروه نحوی، ترکیب، اشتقاق، گسترش معنا و... استفاده شده است. همچنین او در پژوهشی دیگر (۱۳۸۹) فرایند واژه‌سازی در زبان فارسی را با توجه به استقلال صرف و نحو بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که فرایند واژه‌سازی در زبان فارسی دستگاهی مستقل از صرف و نحو است. آهنگر و همکاران (۱۳۹۴) فرایند واژه‌سازی به روش ترکیب در گونه زبان رودبار جنوب را واکاوی کرده و گونه‌های جدیدی

از ترکیب واژگانی را در این زبان مشخص نموده‌اند. خیرآبادی و همکاران (۱۳۹۵) فرایند واژه‌سازی در کتاب *زاد/المسافرین* ناصر خسرو را بررسی نموده و شیوه‌های واژه‌سازی در این کتاب را که شامل مواردی چون: ترکیب، اشتقاق، تخفیف و... است را تبیین کرده‌اند. میرزایی (۱۳۹۴) در یک پژوهش در قالب پایان‌نامه که در دانشگاه کردستان انجام گرفته است، فرایند واژه‌سازی در زبان گُردی سورانی را واکاوی نموده و در آن روش‌هایی چون اشتقاق، تکرار، ترکیب و... را تحلیل و بررسی کرده است. شرف‌خانی (۱۳۹۰) نیز فرایند تکرار در گویش گُردی فیلی را مورد واکاوی قرار داده است. تفرجی یگانه و جهان‌فر (۱۳۹۶) در پژوهشی بر اساس نظریهٔ بهینگی، تکرار را به عنوان یک روش برای واژه‌سازی در زبان گُردی کلهری واکاوی کرده‌اند. بدخشان و زمانی (۱۳۹۲) فرایند حذف را به عنوان یک روش واژه‌سازی در زبان گُردی تحلیل کرده‌اند. کرمی و همکاران (۱۳۹۹) فرایند تبدیل در گُردی کلهری را واکاوی کرده و در آن به این نتیجه رسیده‌اند که فرایند تبدیل در گُردی کلهری در سه مقولهٔ اسم، فعل و صفت است که جهت آن به صورت تبدیل اسم به فعل، صفت به فعل و تبدیل فعل به اسم است. با توجه به موارد یاد شده و نیز جست‌وجوهای انجام شده در سایت‌ها و نشریات علمی، تاکنون هیچ مقاله‌ای در مورد «فرایند واژه‌سازی در واژگان غیر بسیط اشعار عامیانهٔ گُردی کلهری» نوشته نشده است.

## ۲- مبانی نظری پژوهش

### ۲-۱- فرایند واژه‌سازی در زبان فارسی

صرف علمی است که با ساخت درونی واژه‌ها و فرایندهای واژه‌سازی در زبان سروکار دارد. این دانش در حقیقت به مطالعهٔ روش‌ها و فرایندهای متفاوت واژه‌سازی‌ای که زبان‌های مختلف برای تولید واژگان جدید به کار می‌گیرند، می‌پردازد و مشخص می‌کند هر گروه از زبان‌ها با توجه به جوهرهٔ زبانی خود، از کدام یک از این روش‌ها بهرهٔ بیشتری می‌گیرند (اگریدی، ۱۳۸۶: ۱۵۰). فرایند واژه‌سازی در واقع زمانی شکل می‌گیرد که

گویشوران یک زبان در مواجهه با یک مفهوم جدید، در «بانک ذهنی» خود، واژه‌ای را برای توصیف آن نمی‌یابند و در این هنگام است ذهن گویشوران با استفاده از فرایندهای واژه‌سازی مولد و یا با استفاده از الگوهای نو، دست به واژه‌سازی می‌زنند. در قرن بیستم پژوهشگران با مطالعه زبان‌های گوناگون کوشیدند به توصیفی جامع و مانع از واژه و سازه‌های آن برسند؛ اما به سبب تنوع ساختاری زبان‌ها و واحدهای ساختاری آنها هنوز به چنین توصیفی دست نیافته‌اند (شقاقی، ۱۳۸۶: ۸۳). به همین سبب اکثر پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام می‌گیرد، ترجیحا در مورد یک زبان خاص انجام می‌گیرد. زبان فارسی از جمله زبان‌هایی است که در آن برای توصیف مفاهیم جدید از فرایندهای گوناگون واژه‌سازی استفاده می‌شود و در آن واژگان همواره به دو بخش واژگان بسیط یک تکواژی (ساده) و واژگان غیر بسیط و چند تکواژی تقسیم می‌شوند (شقاقی، ۱۳۸۶: ۸۳) و در بحث مطالعه فرایند واژه‌سازی در این زبان همواره واژگان غیر بسیط دارای اهمیت هستند. اغلب دستوریان سنتی ایرانی دو فرایند ترکیب و اشتقاق را با الگوگیری از دستوریان عربی توصیف کرده‌اند؛ اما در سال‌های اخیر با توجه به دستاورد غربیان در زمینه مطالعات ساختمان واژه و قواعد واژه‌سازی و توصیف انواع ساختمان‌ها، بعضی از ایرانیان نیز در توصیف‌های خود تجدید نظر کرده، علاوه بر دو فرایند واژه‌سازی پر بسامد موسوم به اشتقاق و ترکیب، برای فرایند واژه‌سازی الگوهای دیگری نیز ارائه دادند. در این بین ویدا شقاقی (۱۳۸۶) با توجه به جمع‌بندی آراء خود و آثار محققان گوناگونی چون: کشانی (۱۳۷۱)، کلباسی (۱۳۷۱)، صادقی (۱۳۸۵)، مقربی (۱۳۷۲) و... فرایندهای سیزده گانه‌ای چون: فرایند اشتقاق، فرایند ترکیب، فرایند ترکیب و اشتقاق، فرایند تکرار، فرایند واژه‌سازی بدیع، فرایند تبدیل (صفر)، فرایند کوتاه‌سازی، فرایند ترخیم، فرایند پسین‌سازی، فرایند اختصارسازی، فرایند سرواژه‌سازی، فرایند آمیزش و گسترش استعاری را برای توصیف فرایند واژه‌سازی در زبان فارسی دسته‌بندی کرده است.

## ۲-۲- فرایندهای سیزده گانه واژه‌سازی در زبان فارسی

فرایند واژه‌سازی اشتقاق یا وندافزایی به فرایندی از واژه‌سازی گفته می‌شود که در آن بتوان با افزودن وند اشتقاقی (پیشوند یا پسوند) به پایه واژگانی یا دستوری، واژه‌ای جدید ساخت (شقاقی، ۱۳۸۶: ۸۵). گاه این وندافزایی با افزودن چند پسوند یا پیشوند به پایه واژگانی انجام می‌گیرد؛ این کار اگر به صورت مرحله‌ای باشد، یعنی ابتدا یک وند به یک پایه واژگانی افزوده شود و یک واژه جدید را ایجاد کند و سپس یک وند جدید به واژه ایجاد شده افزوده شود و واژه‌ای دیگر را خلق کند؛ اشتقاق پایگانی یا اشتقاق مرحله به مرحله نامیده می‌شود و اگر این افزایش وند به شکل مرحله‌ای نباشد و تفکیک افزایش وندها در یک واژه قابل شناخت نباشد به آن اشتقاق هم‌زمانی یا ناپایگانی گفته می‌شود (همان: ۸۶)، البته این نکته نیز قابل ذکر است که «وندافزایی، گاه مقوله کلمه پایه را تغییر می‌دهد و گاه تغییری در آن به وجود نمی‌آورد» (همان: ۸۷)؛ برای مثال پیشوند «نا-» به اسم افزوده می‌شود و آن را به صفت تبدیل می‌کند؛ مانند «نامرد»، «نا فرجام» و... و گاه این افزایش وند تغییری در مقوله واژه ایجاد نمی‌کند؛ برای مثال افزایش پیشوند «نا-» به واژه توصیفی «جوانمرد»، صفت توصیفی «ناجوانمرد» را ایجاد می‌کند که باز هم مقوله آن صفت است.

در فرایند ترکیب با کنار هم گذاشتن دو یا چند واژه بسیط یا تکواژ واژگانی (آزاد یا وابسته) و تکواژه آزاد دستوری یا دو واژه غیر بسیط، واژه جدیدی ساخته می‌شود (شقاقی، ۱۳۸۶: ۹۱)؛ برای مثال در واژه «گلاب» با دو تکواژ آزاد واژگانی، در واژه «دلدار» با دو تکواژ آزاد و وابسته، در «گیرودار» با دو تکواژ وابسته واژگانی و یک تکواژ آزاد دستوری و... فرایند ترکیب انجام گرفته است. یک نکته روشن در مورد فرایند ترکیب این است که حداقل از دو تکواژ مستقل تشکیل می‌شود؛ هر کدام از اجزای ترکیب می‌توانند خود مشتق یا بسیط و یا مرکب باشند و واژه حاصل فرایند ترکیب، از نظر نحوی و معنایی دارای یک معنای واحد و یک مقوله مشخص دستوری است (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۳: ۳۸۵-۳۸۶)، البته این نکته

نیز قابل ذکر است که مطالعه ساختمان بسیاری از واژه‌های مرکب نشان می‌دهد که بسیاری از آنها در اصل ساخت‌های نحوی از قبیل اضافه، همپایه (عطفی) و انضمامی (یعنی انضمام موضوع‌هایی از قبیل فاعل، مفعول و... به فعل) بوده‌اند (ر. ک: دبیر مقدم، ۱۳۷۶: ۲-۴۶). در تحلیل و طبقه‌بندی کلمه‌های مرکب می‌توان بر مبنای ساختار صوری یعنی براساس مقوله اجزاء ساختاری کلمه مرکب یا شیوه ترکیب آنها عمل کرد. در طبقه‌بندی نخست، واژه مرکب را می‌توان بر اساس اجزای سازنده آن و حضور یا عدم حضور یک جزء فعلی در آنها، به ترتیب مرکب ثانویه یا فعلی و مرکب اولیه یا غیر فعلی نامید که می‌تواند حاصل ترکیب اسم با اسم، اسم با صفت، اسم با قید، اسم با عدد، ضمیر با اسم، ضمیر با صفت باشد؛ اما در طبقه‌بندی دوم، آنچه مهم است شیوه ترکیب پایگانی (مرحله‌ای بودن یا فرایندی بودن اضافه شدن اجزاء؛ مانند [آب + نبات = آبنبات + چوبی = آبنبات‌چوبی) و ناپایگانی (ناگهانی و یکباره اضافه شدن اجزای واژه مانند [شعله‌پخش کنی]) واژه است که بر اساس آن واژه مرکب پایگانی و ناپایگانی ساخته می‌شود (شقاقی، ۱۳۸۶: ۹۴-۹۳). فرایند ترکیب و اشتقاق به فرایندی گفته می‌شود که در آن هر دو فرایند ترکیب و اشتقاق برای ساختن واژه جدید به کار می‌روند. به گفته بهتر چنانچه فرایند اشتقاق بر پایه غیر بسیط مرکب عمل کند، واژه مرکب مشتق می‌سازد که البته همانند دو فرایند گذشته ممکن است به شکل پایگانی یا ناپایگانی انجام شود (همان: ۹۹). گاه فرایند واژه‌سازی حاصل ترکیب دو واژه ناهمگون نیست، بلکه واژه جدید حاصل فرایندی به نام «تکرار» است که در آن یک پایه یا واژه تکرار می‌شود و واژه‌ای جدید را ایجاد می‌کند؛ برای مثال واژه‌هایی چون: «بگیر بگیر، کورمال کورمال، قاه قاه» از این گونه فرایند ساخته شده‌اند (همان)؛ اما واژه‌سازی بدیع در حقیقت به فرایندی از واژه‌سازی گفته می‌شود که در آن واژه‌ای نو خلق می‌شود. این واژه نو، یا تقلیدی از یک آواز شیء است و یا خارج از فرایندهای رایج واژه‌سازی در زبان ایجاد می‌شود که ابتدا در گروه‌های کوچک رواج می‌یابند؛ اما رفته‌رفته به شکل واژه‌ای رایج در گفتار عامه در می‌آیند؛

برای مثال واژهٔ خفن، گاگول، یول و... از این دست هستند (همان: ۱۰۳). در فرایند تبدیل، بدون هیچ گونه دگرگونی کاهشی یا افزایشی مقولهٔ یک واژه در زبان عامه دگرگون می‌شود؛ برای مثال واژهٔ «خوب» در زبان فارسی یک صفت است؛ اما در فرایند تبدیل، به اسم و قید تبدیل می‌شود (همان: ۱۰۴).

فرایند کوتاه‌سازی از جمله دیگر فرایندهای واژه‌سازی در زبان است که حاصل زندگی پرشتاب امروزی است که در آن باید در مدتی کوتاه حجم زیادی از اطلاعات مبادله شود (همان: ۱۰۵). فرایند ترخیم از جملهٔ دیگر فرایندهای واژه‌سازی در زبان است که در مقایسه با فرایند کوتاه‌سازی منظم‌تر است، زیرا به هر حال بخشی از پایان کلمه یا عبارت پایه حذف می‌شود (همان: ۱۰۶)؛ اما فرایند پسین‌سازی حاصل احساس شباهت واژه‌ای با یک ساخت آشنا است که گویشوران در ذهن خود ذخیره ساخته‌اند؛ پس از این احساس شباهت است که گویشوران دست به ریشه‌تراشی می‌زنند و در نتیجه خود را مجاز به حذف بخشی از واژه می‌کنند که در حقیقت جزو اصل واژه است و پسوند محسوب نمی‌شود؛ برای مثال حذف «-ی» از واژهٔ فضولی و قلعی و ساخت واژه‌هایی چون: «فضول و قلع» از این دست است (همان: ۱۰۷). فرایند اختصارسازی نیز جزء دیگر فرایندهای واژه‌سازی در زبان فارسی است که در آن حروف اول واژگان یک عبارت نمایندهٔ کامل هر یک از واژه‌ها محسوب می‌شوند (همان: ۱۰۸)؛ اما سرواژه‌سازی به فرایندی از واژه‌سازی در زبان فارسی گفته می‌شود که در آن حروف اول یک عبارت در کنار هم قرار می‌گیرند و یک واژه جدید را ایجاد می‌کنند. مانند واژهٔ ناجا، ساواک و... (همان)؛ اما فرایند آمیزش، نوعی از فرایند واژه‌سازی است که در آن بخش پایانی واژه‌ای را به بخش آغازین واژهٔ دیگر متصل می‌کنند؛ برای مثال واژهٔ «عکاشی» حاصل آمیختگی دو واژهٔ عکاسی و نقاشی است (همان: ۱۰۹). فرایند واژه‌سازی گسترش استعاری آخرین فرایند واژه‌سازی در طبقه‌بندی شقاقی است که در حقیقت با تعریف یک معنای جدید برای یک واژهٔ موجود در زبان انجام می‌گیرد (همان: ۱۱۰).



### ۳- فرایند واژه‌سازی در اشعار عامیانه گُردی کلهری (اشعار آیینی و مجلسی گُردی)

ادبیات عامیانه هر منطقه بیانگر آداب و رسوم و باورهای آن منطقه و وجه تمایز اقوام مختلف از همدیگر است. به بیان بهتر بخش اصلی فرهنگ شفاهی را آداب و رسوم تشکیل می‌دهد؛ بنابراین ترانه‌ها و رسوم قدیمی آینه تمام‌نمای آرزوها، خواسته‌ها و شرایط زندگی مردم عصر خود است (ر.ک: باوان‌پوری و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۷-۱۰۰). در واقع ادبیات عامیانه، ادبیات توده مردم است؛ ادبیاتی بیشتر شفاهی، اثر مردمانی بی‌سواد و کم‌سواد که از جهت ساختار و محتوا با ادبیات سنتی مکتوب فارسی متفاوت است. زبان ساده، لحن عامیانه، حالات و اندیشه‌های عوام در این ادبیات نمایان است (ریپکا، ۱۳۸۰: ۲۳۹). یکی از جلوه‌های عینی ادبیات عامیانه هر قوم و ملتی، ترانه‌های عامیانه آنها است. اشعار عامیانه گُردی کلهری نیز از جمله جلوه‌های عینی ادبیات عامیانه زبان و ادبیات گُردی است. گُردی کلهری زبان ایل کلهر، بزرگترین ایل کرمانشاه و دومین ایل بزرگ ایران است (احمدی خواه و شوهانی، ۱۴۰۱: ۱۹-۳۴) که خود شامل سه زیرشاخه اصلی کرمانشاهی، لکی و فیلی می‌شود (ویسی، ۱۳۹۸: ۱۲۵-۱۴۰). اشعار عامیانه گُردی کلهری در واقع به آن دسته از اشعار فولکلوری اطلاق می‌گردند که در مجالس عزا، عروسی، جمع‌های دوستانه، دوره‌همی‌های شبانه، آیین‌های خاص فرهنگی و اعتقادی و... خوانده می‌شوند و شامل اشعاری چون: ترانه‌های «هوره»، «پایه‌موری»، «بیت»، «هه‌له‌شی» و «کوسه‌کوسه» است. این اشعار هر کدام بنا بر شرایط و موقعیت زمانی و مکانی خاصی استفاده شده یا می‌شوند. هوره که از جمله مهمترین گونه‌ها در میان ترانه‌های گُردی است و به زعم برخی‌ها از واژه «آهوره» گرفته شده است (ر.ک. صفی‌زاده، ۱۳۷۶: ۸۴)، در واقع به نوعی از آواز اطلاق می‌شده است که مردمان در گذشته اوستای منظوم را با استفاده از آن می‌خوانده‌اند (سهامی، ۱۳۸۴: ۶). با مرور زمان و همراه با دگرگونی آیین زردشت و آمدن آیین اسلام، نوع آواز در گذر زمان مضامینی جدید چون: عشق، طبیعت، شادی، غم و... به خود گرفته است؛

بنابراین می‌توان گفت هوره کهن‌ترین گونه در میان ترانه‌های کردی است و خاستگاه اصلی آن در میان اقوام کردی چون: کلهرها، سنجابی‌ها، گورانی‌ها، لک‌ها و... قرار دارد (رحیمی زنگنه و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳). هوره از نظر موسیقایی دارای چهارده مقام از جمله «سحری چر»، «دوبالا»، «غریوی» و... است (پرنیان، ۱۳۸۰: ۲۰۸).

یکی دیگر از گونه‌های اشعار آیینی و مجلسی در زبان کردی، اشعاری با نام «مور» یا «پایه‌موری» است که از نظر نحوه خواندن بسیار شبیه هوره هستند و تنها تفاوت عمده میان این گونه ترانه‌ها با هوره، مضامینی مبنی بر سوگ و عزا در اشعار پایه‌موری است، تا جایی که برخی آن را «هوره چمر» نامیده‌اند (بهرامی، ۱۳۸۸: ۱۳). این گونه اشعار اگر توسط زن خوانده شود، مویه و اگر توسط مرد خوانده شود، پایه‌موری نامیده می‌شود (سلطانی، ۱۳۷۰: ۲/۳۵۷). «بیت» گونه‌ای دیگر از اشعار آیینی و مجلسی کردی است که در حقیقت به اشعاری اطلاق می‌گردند که در مراسم عروسی و شادی به آواز خوانده می‌شوند (رحیمی زنگنه و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۱). به گفتار بهتر، مضامین مطرح در ترانه‌های بیت، بیش از هر چیز بر عشق و وصال تأکید دارند و دارای نوعی آهنگ ضربی و شاد هستند.

هه‌له‌شی گونه‌ای دیگر از اشعار آیینی و مجلسی با بن‌مایه‌های اسطوره‌ای و اعتقادی است. در این گونه از اشعار آیینی و مجلسی، دسته‌ای از نوجوانان نابالغ در هنگام خشکسالی یا کم‌بارانی به شکل دسته‌جمعی در محله‌های روستا می‌چرخند و در مدح و ستایش و البته درخواست یاری از ایزد باران اشعاری را به شکل آواز می‌خوانند (همان: ۸۹). کوسه کوسه نیز نوعی از اشعار است که از نظر کاربرد برای درخواست باران از ایزد باران سروده می‌شود که هم از نظر مضمونی و هم از نظر اجرای مراسم آن با هه‌له‌شی تفاوت‌های شاخصی دارد. در کوسه کوسه، از بین چوپانان سفید و مضحک روستا شخصی کم‌مو را انتخاب کرده و او را به شکل زنانه آرایش می‌کنند. سپس او سوار بر الاغی در روستا می‌چرخد و اشعاری در مورد باران بر زبان می‌راند (ر.ک. همان: ۸۹-۹۰).

کتاب گنجینه‌های برباد یاد اثر ابراهیم رحیمی زنگنه و همکاران که پیکره مورد پژوهش در این جستار است، کتابی کم حجم، اما ارزشمند در حوزه ادبیات عامیانه گُردی است. در این کتاب بسیاری از رایج‌ترین اشعار و ترانه‌های فولکلور گُردی کلهری که در فرهنگ و زبان عامیانه گُردی همچنان رواج دارند، گردآوری شده است و با توجه به محتوای آنها در بخش‌هایی چون: ترانه‌های «هوره»، «پایه‌موری»، «بیت»، «هه‌له‌شی» و «کوسه کوسه» دسته‌بندی شده‌اند. از میان همه ابیات بررسی شده در این کتاب، در مجموع ۲۳۷ واژه غیر بسیط وجود دارد که در ساختار و ساختمان آنها پنج فرایند واژه‌سازی ترکیب، اشتقاق، ترکیب- اشتقاق، تکرار، مرخم‌سازی اعمال شده است. این پژوهش در ادامه به تحلیل و بررسی آنها می‌پردازد.

### ۳-۱- فرایند ترکیب

در اشعار بررسی شده در این پژوهش، در مجموع ۱۱۹ واژه بر اساس فرایند ترکیب ایجاد شده‌اند که از میان آنها ۴۲ واژه، مرکب ثانویه یا فعلی (مرکبی که یکی از اجزای آن پایه فعلی باشد) و ۷۷ واژه، مرکب اولیه و غیر فعلی (فاقد اجزای فعلی) است که در ساختارهایی چون: [اسم + اسم]، [اسم + پایه فعلی]، [صفت + پایه فعلی]، [صفت + اسم]، [صفت + صفت]، [اسم + صفت]، [اسم + اسم + صفت] و [عدد + اسم] ترکیب شده‌اند.

#### ۳-۱-۱- اسم + اسم

فرایند ترکیب [اسم + اسم] (۲۷ مورد) در اشعار عامیانه گُردی کلهری، از جمله فرایندهای ترکیبی پایگانی محسوب می‌شود که از دو اسم ایجاد شده‌اند و در همه آنها واژه جدید ایجاد شده دارای مقوله دستوری اسم است؛ برای مثال در واژگان زیر که در اشعار یاد شده استفاده شده‌اند، همه واژه‌های ترکیبی دارای فرایندی پایگانی هستند و مقوله‌ای که ایجاد کرده‌اند، مقوله دستوری اسم می‌باشد.

- مه کته و خانه (رحیمی زنگنه و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۱)  
 [مه کته و] اسم + [خانه] اسم > [مه کته و خانه (مدرسه)] اسم  
 - گول غونچه (همان: ۵۲)  
 [گول (گل)] اسم + [غونچه (غنچه)] اسم > [گول غونچه (گل غنچه)] اسم
- شاخانم (همان: ۵۵)  
 [شا (شاه)] اسم + [خانم (خانم)] اسم > [شاخانم (شاه خانم)] اسم  
 - جفت یار (همان)  
 [جفت (شخم)] اسم + [یار (همراه)] اسم > [جفت یار (کسی که شخم می زند)] اسم  
 - گاوئاسن (همان)  
 [گاو (گاو)] اسم + [ئاسن (آهن)] اسم > [گاوئاسن (گاو آهن)] اسم  
 - شه ن یار (همان: ۵۶)  
 [شه ن (سنان)] اسم + [یار (همراه)] اسم > [شه ن یار (کشاورز)] اسم  
 - گایار (همان: ۵۸)  
 [گا (گاو)] اسم + [یار (همراه)] اسم > [گایار (کسی که شخم می زند)] اسم
- دمته قه (همان: ۶۱)  
 [دمه (نفس)] اسم + [ته قه (صدا)] اسم > [دمته قه (صحبت)] اسم  
 - شاکور (همان: ۶۵)  
 [شا (شاه)] اسم + [کور (پسر)] اسم > [شاکور (پسر شاه)] اسم  
 - نام شان (همان: ۷۰)  
 [ناو (وسط)] اسم + [شان (پشت)] اسم > [ناوشان (عرض شانه)] اسم  
 - بهرف ئاو (همان: ۷۵)  
 [بهرف (برف)] اسم + [ئاو (آب)] اسم > [بهرف ئاو (برف آب)] اسم  
 - سه رگه له (همان: ۷۷)  
 [سه ر (سر)] اسم + [گه له (گله)] اسم > [سه رگه له (رهبر)] اسم  
 - رهنگ و ریشه (همان: ۷۸)

[ره‌نگ (رگ)] اسم + [ریشه (ریشه)] اسم > [ره‌نگ و ریشه (نژاد)]  
اسم

- گول‌ئه‌نام (همان: ۹۸)

[گول (گل)] اسم + [ئه نام (اندام)] اسم > [گول‌ئه‌نام (گل اندام)]  
اسم

- مه‌ین‌منا (همان: ۹۹)

[مه‌ین (منع)] اسم + [منا (مانع)] اسم > [مه‌ین‌منا (سرزنش)] اسم

- ده‌ک و ده‌رمان (همان: ۱۰۰)

[ده‌ک (دارو)] اسم + [ده‌رمان (درمان)] اسم > [ده‌ک و ده‌رمان (دارو درمان)] اسم

### ۳-۱-۲- اسم + پایه فعلی

فرایند ترکیب [اسم + پایه فعلی] (۳۳ مورد) در میان واژگان غیر بسیط گُردی کلهری، فرایندی ترکیبی و پایگانی محسوب می‌شود که از ترکیب اسم و یک واژه با پایه فعلی ساخته شده‌اند. از ترکیب این واژگان در این اشعار، دو مقوله دستوری اسم (۱۵ مورد) و صفت (۱۸ مورد) ایجاد شده است؛ برای مثال در واژگان زیر که در اشعار عامیانه بررسی شده در این پژوهش به کار رفته‌اند، فرایند واژه‌سازی از نوع ترکیب پایگانی اسم و پایه فعلی است و حاصل ترکیب، دو مقوله دستوری اسم و صفت می‌باشد.

- شاپه‌روه‌ر (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۰)

[شا (شاه)] اسم + [په‌روه‌ر (پرور)] پایه فعلی > [شاپه‌روه‌ر (شاه‌پرور)]  
اسم

- بالاپوش (همان: ۵۰)

[بالا (بالا)] اسم + [پوش (پوش)] پایه فعلی > [بالاپوش (لباس)] اسم

- ده‌س‌لس (همان: ۵۴)

[ده‌س (دست)] اسم + [لس (لیس)] پایه فعلی > [ده‌س‌لس (هیچ‌کاره)] صفت

- ئاوه‌ار (همان: ۵۵)

[ئاو (آب)] اسم + [هار (آور)] پایه فعلی > [ئاوه‌ار (آب‌آور)] صفت

- شهن کن (همان: ۵۶)  
 [شهن (سنان)] اسم + [کن (کننده)] پایه فعلی > [شهن کن (آلت  
 کشاورزی)] اسم  
 - مهشکه ژهن (همان: ۶۶)  
 [مهشکه (مشک دوغ)] اسم + [ژهن (زنده)] پایه فعلی > [مهشکه ژهن  
 (مشک زنده)] صفت  
 - قهرت دار (همان)  
 [قهرت (قرض)] اسم + [دار (دارنده)] پایه فعلی > [قهرت دار (بدهکار)]  
 صفت  
 - بان ئه ناو (همان: ۶۷)  
 [بان (بالا)] اسم + [ئه ناو (اندودن)] پایه فعلی > [بان ئه ناو  
 (گل اندود)] اسم  
 - پاگیر (همان: ۷۵)  
 [پا (پا)] اسم + [گیر (گرفتار)] پایه فعلی > [پاگیر (گرفتار)] صفت  
 - که ل رهو (همان)  
 [که ل (شکار)] اسم + [رهو (رمیدن)] پایه فعلی > [که ل رهو (هیچ کاره)]  
 صفت  
 - شین کهر (همان: ۷۶)  
 [شین (شیون)] اسم + [کهر (کننده)] پایه فعلی > [شین کهر  
 (شیون کننده)] صفت  
 - سه رپوش (همان)  
 [سه ر (سر)] اسم + [پوش (پوشیدن)] پایه فعلی > [سه رپوش  
 (درپوش)] اسم  
 - دلگیر (همان: ۸۵)  
 [دل (دل)] اسم + [گیر (گرفتار)] پایه فعلی > [دلگیر (غمگین،  
 ناراحت)] صفت  
 - دلدار (همان: ۸۸)  
 [دل (دل)] اسم + [دار (دارنده)] پایه فعلی > [دلدار (معشوق)] اسم

- سروین (همان: ۹۱)
- [سهر (سر)] اسم + [وین (بسته)] پایه فعلی > [سروین (سربند زنان کرد)] اسم
- پایچ (همان: ۹۲)
- [پا (پا)] + [پیچ (پیچاندن)] پایه فعلی > [پایچ (مانع شونده)] اسم
- بازی‌واز (همان: ۶۵)
- [بازی (رقص)] اسم + [واز (باختن، انجام دادن)] پایه فعلی > [بازی‌واز (رقاص)] اسم

### ۳-۱-۳- صفت + پایه فعلی

فرایند ترکیب [صفت + پایه فعلی] (۹ مورد) از جمله دیگر فرایندهای ترکیبی در این اشعار است که در همه موارد دارای ساختار ترکیبی پایگانی می‌باشد و واژگان جدید ایجاد شده از این ترکیب‌ها در تمام موارد دارای مقوله دستوری اسم هستند؛ برای مثال در واژگان زیر که از دل اشعار یاد شده استخراج شده‌اند، فرایند واژه‌سازی، فرایندی پایگانی است و مقوله دستوری واژه جدید ایجاد شده از این فرایند، اسم می‌باشد.

- ته‌ک‌رهس (رحیمی زنگنه و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۴)
- [ته‌ک (تک، یک‌دانه)] صفت بیانی + [رهس (ریس)] پایه فعلی > [ته‌ک‌رهس (یک دانه، بی‌همتا)] اسم
- سه‌ونزخهر (همان: ۶۱)
- [سه‌ونز (سیز)] صفت بیانی + [خهر (خریدار)] پایه فعلی > [سه‌ونزخهر (سلف خر)] اسم
- یه‌که‌دار (همان: ۸۴)
- [یه‌که (یک، تک)] صفت بیانی + [دار (دارنده)] پایه فعلی > [یه‌که‌دار (دارنده یک فرزند)] اسم
- نازکیش (همان: ۸۶)
- [ناز (ناز)] صفت بیانی + [کیش (کشنده)] پایه فعلی > [نازکیش (مهربانی کننده)] اسم

### ۳-۱-۴- صفت + اسم

دسته دیگری از واژگان مرکب به دست آمده از ابیات مورد پژوهش، واژگانی با ساختار ترکیبی پایگانی [صفت + اسم] (۱۴ مورد) می‌باشند که واژگان ایجاد شده از فرایند ترکیبی آن‌ها، دارای دو مقوله دستوری صفت (۴ مورد) و اسم (۱۰ مورد) می‌باشد؛ برای مثال در واژگان مرکب زیر که برگرفته از اشعار مورد نظر می‌باشد، ساختار ترکیبی صفت + اسم است و در همه موارد طی فرایندی پایگانی، واژگان جدیدی با مقولات دستوری صفت و اسم به وجود آورده‌اند.

- به‌سه‌زوان (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۵۹)

[به‌سه (بسته)] صفت مفعولی + [زوان (زبان)] اسم > [به‌سه‌زوان (حیوان، موجود غیر ناطق)] اسم

- کورکینه (همان: ۷۰)

[کور (بسته)] صفت مفعولی + [کینه (خشم پنهان)] اسم > [کورکینه (کینه ای)] صفت

- نه‌وه‌هار (همان: ۷۴)

[نه‌و (جدید، نو)] صفت مفعولی + [وه‌هار (بهار)] اسم > [نه‌وه‌هار (نوبهار)] اسم

- سیاه‌خیم (همان: ۷۶)

[سیا (سیاه)] صفت بیانی + [زه‌خیم (زخم)] اسم > [سیاه‌خیم (بیماری سیاه‌زخم)] اسم

- زه‌رده‌خنه (همان: ۷۶)

[زه‌رده (زرد)] صفت بیانی + [خنه (خنده)] اسم > [زه‌رده‌خنه (پوزخند)] اسم

- هه‌له‌گه‌داوان (همان: ۸۱)

[هه‌له‌گه (آشفته)] صفت بیانی + [داوان (دامن)] اسم > [هه‌له‌گه‌داوان (آشفته، سرآسیمه)] صفت

### ۳-۱-۵- صفت + صفت

فرایند ترکیب [صفت + صفت] (۵ مورد)، فرایندی دیگر برگرفته از واژگان



مرکب ابیات بررسی شده در این پژوهش است. این واژگان دارای ساختار ترکیبی پایگانی هستند و واژگان ایجاد شده در تمام پنج مورد، دارای مقوله دستوری صفت می‌باشند؛ برای مثال دو واژه مرکب زیر که از این اشعار استخراج شده، ساختار ترکیبی صفت + صفت دارند و هر دو مورد از طریق فرایند پایگانی، واژگان جدیدی با مقوله دستوری صفت ایجاد کرده‌اند.

- پروپه‌هین (رحیمی زنگنه و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰)

[پِر (لبریز)] صفت بیانی + [په‌هین (پهن)] صفت بیانی > [پروپه‌هین (چاق)] صفت

- کزوکور (همان: ۷۷)

[کَز (غمگین)] صفت بیانی + [کور (کور)] صفت بیانی > [کزوکور (غمگین)] صفت

### ۳-۱-۶- اسم + صفت

دسته دیگر از واژگان مرکب ابیات بررسی شده مورد پژوهش، واژگانی هستند که ساختار ترکیبی آنها، ساختاری پایگانی و ترکیب یافته از [اسم + صفت] (۸ مورد) است. واژگان جدیدی که از این ترکیب ایجاد شده است، دارای دو مقوله دستوری اسم (۵ مورد) و صفت (۳ مورد) می‌باشند؛ برای مثال در واژگان مرکب زیر، ساختار ترکیبی اسم + صفت مشهود است و همه موارد طی فرایندی پایگانی واژگان جدیدی را با مقولات دستوری صفت و اسم به وجود آورده‌اند.

- لاله‌دیز (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۸۱)

[لاله (گل لاله)] اسم + [دیز (کوچک)] صفت بیانی > [لاله‌دیز (نوعی گل لاله)] اسم

- توژبه‌سه (همان: ۸۵)

[توژ (لایه نازک سر هر چیز)] اسم + [به‌سه (بسته)] صفت مفعولی > [توژبه‌سه (لایه)] اسم

- خم‌چم (همان: ۹۰)

[خه‌م (خم)] اسم + [چم (کجی)] صفت بیانی > [خم‌چم (انعطاف)]

اسم

- خانزاده (همان: ۶۵)

[خان (بزرگ)] اسم + [زاده (زاده شده)] صفت مفعولی > [خانزاده  
(بزرگزاده)] صفت

### ۳-۱-۷- اسم + اسم + صفت

دسته‌ای دیگر از واژگان مرکب ابیات بررسی شده در این پژوهش، واژگانی هستند با ساختار ترکیبی پایگانی [اسم + اسم + صفت] (۱۴ مورد) که واژگان ایجاد شده از فرایند ترکیبی آنها، دارای مقوله دستوری صفت (۴ مورد) و اسم (۱۰ مورد) می‌باشد؛ برای مثال از میان این واژگان مرکب، واژه زیر دارای فرایندی مرکب حاصل ترکیب پایگانی [اسم + اسم جهت + صفت فاعلی] است که واژه حاصل از آن دارای مقوله دستوری اسم می‌باشد:

- سه‌رجلوکیش (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۶۰)

[سه‌ر (سر)] اسم + [جلو (روبه رو)] اسم جهت + [کیش (کشنده)]  
صفت فاعلی > [سه‌رجلوکیش (جلودار)] اسم.

### ۳-۱-۸- عدد + اسم

آخرین دسته از واژگان مرکب در اشعار مورد پژوهش، واژگانی هستند که دارای ساختار ترکیبی پایگانی [عدد + اسم] (۹ مورد) می‌باشند. واژگان به دست آمده از این فرایند ترکیبی، واژگانی با مقوله دستوری اسم (۷ مورد) و صفت (۲ مورد) هستند؛ برای مثال در واژگان مرکب زیر که برگرفته از این اشعار است، ساختار ترکیبی عدد + اسم و فرایند پایگانی با مقولات دستوری اسم و صفت در واژگان جدید ایجاد شده، به طور کامل مشهود است.

- چوارچو (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۸۴)

[چوار (چهار)] عدد + [چو (چوب)] اسم > [چوارچو (چهارچوب در)]  
اسم

- یه‌ک ره‌نگ (همان: ۷۹)

[یه‌ک (چهار)] عدد + [رهنگ (رنگ)] اسم > [یه‌ک رهنگ (انسان درست)] صفت  
 - سی‌پا (همان: ۶۱)  
 [سی (سه)] عدد + [پا (پایه)] اسم > [سی‌پا (سه‌پایه)] اسم

### ۲-۳- فرایند اشتقاق

فرایند اشتقاق از جمله دیگر فرایندهای واژه‌سازی در واژگان غیر بسیط اشعار عامیانه مورد پژوهش است. این فرایند، دارای فراوانی ۵۹ موردی است و در قالب وندافزایی‌هایی پایگانی چون: [اسم + پسوند]، [اسم + پسوند + پسوند]، [پیشوند + پسوند]، [اسم + پسوند]، [صفت + پسوند]، [پیشوند + صفت] و [پیشوند + پایه فعلی] واژه‌هایی مشتق را در این اشعار ایجاد کرده‌اند.

### ۱-۲-۳- اسم + پسوند

اشتقاق حاصل از [اسم + پسوند] (۳۳ مورد) در واژگان غیر بسیط به کار رفته در اشعار مورد پژوهش، پربسامدترین فرایند اشتقاق در میان سایر گونه‌های اشتقاق در این اشعار محسوب می‌شود که بر اساس فرایند پایگانی، واژگانی با مقوله دستوری اسم (۲۷ مورد) و صفت (۶ مورد) را ایجاد کرده‌اند؛ برای مثال واژگان زیر برگرفته از اشعار مورد نظر، همه بر اساس فرایند واژه‌سازی اشتقاق یا وندافزایی ساخته شده‌اند؛ این واژگان همگی دارای فرایندی پایگانی هستند و واژگانی با مقولات اسم و صفت به وجود آورده‌اند.

- پوسین (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۶۲)

[پوس (پوست)] اسم + [-ین] پسوند بیان جنس > [پوسین (نوعی لباس)] اسم

- تفنگچی (همان: ۶۴)

[تفنگ (اسلحه)] اسم + [-چی] پسوند شغل ساز > [تفنگچی (سرباز،

تفنگدار)] اسم

- شکاروان (همان: ۶۵)

- [شکار (صید)] اسم + [- وان] پسوند شغل ساز > [شکاروان (شکارچی)] اسم
- خارت چی (همان: ۶۵)
- [خارت (غارت)] اسم + [- چی] پسوند شغل ساز > [خارت چی (دزد)] اسم
- شهرمسار (همان)
- [شهرم (خجالت)] اسم + [- سار] پسوند اتصاف > [شهرمسار (خجالت زده)] صفت
- رهنگین (همان: ۶۷)
- [رهنگ (رنگ)] اسم + [- ین] پسوند اتصاف > [رهنگین (رنگارنگ)] صفت
- گولنگ (همان: ۶۹)
- [گول (گل)] اسم + [- نگ] پسوند تصغیر > [گولنگ (گل کاموایی، نوع تزئین لباس و خانه)] اسم
- دهربان (همان: ۷۶)
- [دهر (در)] اسم + [- بان] پسوند شغل ساز > [دهربان (نگهبان در)] اسم
- عیدانه (همان: ۷۸)
- [عید (عید)] اسم + [- انه] پسوند نسبت > [عیدانه (عیدی)] اسم
- باخهوان (همان: ۸۰)
- [باخ (باغ)] اسم + [- وان] پسوند شغل ساز > [باخهوان (باغبان)] اسم
- جارچی (همان)
- [جار (خبر)] اسم + [- چی] پسوند شغل ساز > [جارچی (خبررسان)] اسم
- سههمناک (همان: ۸۸)
- [سههم (ترس)] اسم + [- ناک] پسوند اتصاف > [سههمناک (ترسناک)] صفت
- کوردسان (همان: ۹۲)
- [کورد (کرد)] اسم + [- سان] پسوند مکان > [کوردسان (کردستان)] اسم

### ۳-۲-۲- اسم + پسوند + پسوند

از دیگر گونه‌های فرایند واژه‌سازی اشتقاق در اشعار عامیانه گُردی کلهری، اشتقاق حاصل از [اسم + پسوند + پسوند] (۶ مورد) است. این فرایند نیز دارای رویکردی پایگانی است که در آن ابتدا یک پسوند به اسم افزوده می‌شود، سپس پسوندی دیگر به اسم مشتق اضافه می‌شود. در نهایت این فرایند واژه‌هایی در همه موارد با مقوله دستوری اسم مصدر را ایجاد کرده است؛ برای مثال در واژگان زیر فرایند واژه‌سازی، فرایندی اشتقاقی و حاصل اضافه شدن دو پسوند به اسم است که این اضافه شدن به شکل پایگانی انجام شده و در هر دو مورد، واژه ایجاد شده دارای مقوله اسم مصدر است.

- شکاروانی (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۶۵)

[شکار (صید)] اسم + [- وان] پسوند شغل‌ساز + [- ی] پسوند اسم مصدرساز > [شکاروانی (شکار کردن)] اسم مصدر  
- حلال‌واری (همان: ۱۰۱)

[حلال (گورا، پاک)] اسم + [- وار] پسوند شباهت + [- ی] پسوند اسم مصدرساز > [حلال‌واری (درست و پاک بودن)] اسم مصدر

### ۳-۲-۳- پیشوند + اسم

فرایند واژه‌سازی اشتقاقی [پیشوند + اسم] (۱۲ مورد)، از جمله دیگر فرایندهای واژه‌سازی در واژگان غیربسیط به کار رفته در اشعار عامیانه گُردی مورد پژوهش است که با رویکردی پایگانی در ساخت واژه، واژگانی با مقولات دستوری صفت (۷ مورد) و اسم (۵ مورد) را ایجاد کرده است. واژگان زیر استخراج شده از این اشعار، نمونه بارزی در این زمینه می‌باشند. این واژگان حاصل اضافه نمودن پیشوند به اسم به شکل پایگانی هستند که در خاتمه واژگانی با مقولات دستوری صفت و اسم از این فرایند به دست آمده است.

- ههم نه‌فَس (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۶۵)

[ههم (هم)] پیشوند هم‌کاری + [نه‌فَس (نفس)] اسم > [ههم نه‌فَس (هم دم)] صفت

- بی سامان (همان)  
 [بی (بی)] پیشوند نفی + [سامان (آرامش)] اسم > [بی سامان  
 (آشفته)] صفت  
 بی‌وهر (همان: ۷۴)  
 [بی (بی)] پیشوند نفی + [وهر (ثمر)] اسم > [بی‌وهر (بی‌ثمر)] صفت  
 بی‌داد (همان: ۷۷)  
 [بی (بی)] پیشوند نفی + [داد (عدل)] اسم > [بی‌داد (ستم)] اسم  
 - ناته‌وان (همان)  
 [نا (نا)] پیشوند نفی + [ته‌وان (آرامش)] اسم > [ناته‌وان (علیل،  
 بیمار)] صفت  
 - ناکه‌س (همان: ۹۲)  
 [نا (نا)] پیشوند نفی + [که‌س (کس)] اسم > [ناکه‌س (پست حقیر)]  
 صفت

### ۳-۲-۴- صفت + پسوند

فرایند واژه‌سازی اشتقاقی [صفت + پسوند] (۲ مورد) از دیگر فرایندهای  
 واژه‌سازی واژگان غیربسیط به کار رفته در اشعار مورد پژوهش است. هر  
 دو مورد بررسی شده با ساختار اشتقاقی صفت + پسوند، دارای فرایندی  
 پایگانی در ساخت واژه هستند و واژگان حاصل از آنها دارای مقوله دستوری  
 صفت می‌باشند؛ برای مثال:

- دیاری (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۷۹)

[دیاری (پیدا/ آشکار)] صفت + [-ی] پسوند اتصاف > [دیاری (متمایز  
 بین چند نفر)] صفت

### ۳-۲-۵- پیشوند + صفت

فرایند اشتقاقی [پیشوند + صفت] (۴ مورد) فرایند اشتقاقی دیگری  
 است که در واژگان اشعار مورد پژوهش این مقاله به کار رفته است. این  
 فرایند در قالب فرایند اشتقاقی پایگانی، واژگانی با مقوله دستوری صفت

را ایجاد کرده است. برای نمونه واژگان زیر بر پایه اشتقاق پیشوند + صفت و فرایندی پایگانی ساخته شده‌اند و واژه‌های حاصل از آنها دارای مقولۀ دستوری صفت هستند.

- نابه‌لی (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۸۶)

[نا (نا)] پیشوند نفی + [به‌لی (بلد، آگاه)] صفت > [نابه‌لی (ناآشنا)] صفت

- ناکه‌سان (همان: ۹۲)

[نا (نا)] پیشوند نفی + [که‌س (کس)] صفت + [-ان] پسوند جمع > [ناکه‌سان (ناآشنا)] صفت

### ۳-۲-۶- پیشوند + پایه فعلی

فرایند واژه‌سازی اشتقاقی [پیشوند + پایه فعلی] (۱ مورد) از جمله دیگر فرایندهای واژه‌سازی اشتقاقی در اشعار مورد بررسی این پژوهش است که در قالب یک فرایند پایگانی، واژه‌ای با مقولۀ دستوری صفت را ایجاد کرده است. به این ترتیب در این فرایند واژه‌سازی که در ادامه به آن اشاره می‌شود، با اضافه شدن پیشوند به یک پایه فعلی، از طریق فرایندی پایگانی، واژه‌ای با مقولۀ دستوری صفت ساخته شده است.

- ناتاو (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۱۰۰)

[نا (نا)] پیشوند نفی + [تاو (مقاومت)] پایه فعلی > [ناتاو (ناتوان/بی‌مقاومت)] صفت

### ۳-۳- فرایند ترکیب- اشتقاق

فرایند ترکیب- اشتقاق از جمله دیگر فرایندهای واژه‌سازی در اشعار عامیانه گُردی کلهری با بسامد ۱۷ موردی است. واژگان این گروه در قالب فرایندهای واژه‌سازی ترکیب و وندافزایی‌هایی پایگانی ایجاد شده‌اند و شامل واژه‌هایی مشتق- مرکب چون: [اسم + اسم + پسوند]، [صفت + پایه فعلی + پسوند]، [اسم + صفت + پسوند]، [اسم + پسوند + اسم]، [صفت + اسم + پسوند]، [اسم + پایه فعلی + پسوند + اسم] و [اسم + پایه فعلی + پسوند] می‌شوند.

**۳-۳-۱- اسم + اسم + پسوند**

فرایند واژه‌سازی ترکیب- اشتقاقی [اسم + اسم + پسوند] (۶ مورد) یکی از گونه‌های فرایندهای واژه‌سازی ترکیبی- اشتقاقی در واژگان اشعار مورد پژوهش است که دارای فرایندی پایگانی در ساخت واژه هستند و واژه‌های ایجاد شده از آنها دارای مقوله‌های دستوری اسم (۴ مورد) و صفت (۲ مورد) می‌باشند؛ برای مثال واژگان زیر که از میان واژگان ترکیبی- اشتقاقی به کار رفته در اشعار مورد نظر انتخاب شده‌اند، همگی از ترکیب اسم + اسم و اضافه شدن پسوند ساخته شده‌اند و دارای فرایندی پایگانی در ساخت واژه‌های جدیدی هستند که مقولات دستوری آنها اسم و صفت می‌باشد.

- ژیرسری (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۵۱)

[ژیر (زیر)] اسم جهت + [سهر (سر)] اسم + [ی] پسوند اسم‌ساز >  
[ژیرسهری (زیرسری، بالش)] اسم

- دنان برنجی (همان: ۵۲)

[دنان (دندان)] اسم + [برنج (برنج)] اسم + [ی] پسوند اتصاف >  
[دنان برنجی (دندان ریز)] صفت

- لامردان (همان: ۸۷)

[لا (سمت)] اسم جهت + [مرد (مرد)] اسم + [ان] پسوند جنس‌ساز >  
[لامردان (اتاقی مخصوص مهمانان مرد)] اسم

**۳-۳-۲- اسم + صفت + پسوند**

فرایند واژه‌سازی ترکیب- اشتقاق [اسم + صفت + پسوند] (۶ مورد) یکی دیگر از گونه‌های فرایند واژه‌سازی ترکیبی- اشتقاقی واژگان به کار رفته در اشعار عامیانه کُردی کلهری است. این واژگان نیز دارای فرایندی پایگانی در ساخت واژه هستند و واژه‌هایی که از آنها ایجاد شده است، دارای مقوله‌های دستوری اسم مصدر (۳ مورد) و اسم (۳ مورد) می‌باشند؛ برای مثال واژگان ترکیبی- اشتقاقی زیر چنین ویژگی‌هایی دارند؛ یعنی ساخته شده از ترکیب اسم + صفت و اضافه نمودن پسوند می‌باشند و دارای فرایند پایگانی با مقولات دستوری اسم مصدر و اسم، در واژه‌های جدید



ایجاد شده هستند.

- سه‌ر به‌رزی (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۶۵)

[سهر (سر)] اسم + [به‌رز (بلند)] صفت + [-ی] پسوند اسم‌ساز >  
[سه‌ر به‌رزی (سر بلندی)] اسم مصدر

- داله‌گیژان (همان: ۸۷)

[داله (کرکس، عقاب)] اسم + [گیژ (چرخش)] اسم + [-ان] پسوند  
اسم‌ساز > [داله‌گیژان (سرگیجه)] اسم

### ۳-۳-۳- اسم + پسوند + اسم

فرایند واژه‌سازی ترکیب- اشتقاق [اسم + پسوند + اسم] (۲ مورد) گونه‌ای دیگر از فرایندهای واژه‌سازی در واژگان غیر بسیط بررسی شده در این مقاله می‌باشد که دارای فرایندی پایگانی است و واژگان ساخته شده از آن، دارای مقوله دستوری اسم هستند؛ برای مثال در واژه زیر فرایند واژه‌سازی از نوع ترکیب- اشتقاق اسم + پسوند + اسم است که به شکل پایگانی ساخته شده و واژه ایجاد شده از آن، دارای مقوله دستوری اسم است.

- دووین‌ئاو (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۶۹)

[دوو (دوغ)] اسم + [-ین] پسوند جنس‌ساز + [-ئاو (آب)] اسم >  
[دووین‌ئاو (آش دوغینه)] اسم

### ۳-۳-۴- صفت + اسم + پسوند

یکی دیگر از فرایندهای کم‌بسامد ترکیب- اشتقاق در اشعار عامیانه مورد پژوهش این مقاله، فرایند [صفت + اسم + پسوند] (۱ مورد) می‌باشد. در این فرایند واژه‌سازی بر اساس رویکرد پایگانی، ابتدا یک صفت به اسم افزوده شده است، سپس یک پسوند اتصاف به آنها اضافه شده و در نهایت واژه‌ای با مقوله دستوری صفت از آن به وجود آمده است.

- جوانه‌مرگی (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۷۶)

[جوان (جوان)] صفت + [مهرگ (مرگ)] اسم + [-ی] پسوند اسم‌ساز >  
[جوانه‌مرگی (جوان‌مرگی)] صفت

### ۳-۳-۵- اسم + پایه فعلی + پسوند

فرایند واژه‌سازی ترکیب- اشتقاق [اسم + پایه فعلی + پسوند] (۲ مورد)، آخرین فرایند ترکیب و اشتقاق یافته شده در اشعار عامیانه گُردی کلهری بررسی شده در این پژوهش است که بر اساس فرایند پایگانی، دو واژه مشتق- مرکب، واژگانی با مقوله دستوری اسم مصدر را به وجود آورده‌اند. دو واژه زیر مثال‌های مورد بحث می‌باشند که بر اساس یک فرایند پایگانی متشکل از اسم + پایه فعلی + پسوند، واژه‌هایی جدید با مقوله دستوری اسم مصدر را ایجاد کرده‌اند.

- دهس‌گیرانی (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۸۴)

[دهس (دست)] اسم + [گیر (گرفتن)] پایه فعلی + [-انی] پسوند  
مصدرساز > [دهس‌گیرانی (نامزدی کردن)] اسم مصدر  
- گیس‌بران (همان: ۸۷)

[گیس (گیسو)] اسم + [بر (بریدن)] پایه فعلی + [-ان] پسوند  
مصدرساز > [گیس‌بران (بریدن گیس)] اسم مصدر

### ۳-۴- فرایند واژه‌سازی تکرار

تکرار از جمله فرایندهای واژه‌سازی در اشعار عامیانه مورد پژوهش در این مقاله است که دارای بسامد ۳۷ موردی می‌باشد. این فرایند به دو صورت تکرار افزوده (تکرار پایه که در میان آن یک تکواژ دستوری بیاید) و تکرار نافزوده (تکرار واژه پایه به شکل بی‌فاصله) نمود یافته است.

### ۳-۴-۱- تکرار افزوده

فرایند تکرار افزوده (۱۵ مورد) در اشعار عامیانه بررسی شده در این پژوهش، فرایندی پایگانی است که در جریان آن، دو واژه تکراری در حالی در کنار یکدیگر به کار می‌روند که میان آنها یک وند افزوده شده و واژگانی به وجود آورده است که دارای مقوله دستوری قید (۵ مورد) و اسم مصدر (۱۰ مورد) می‌باشند؛ برای مثال در واژگان زیر فرایند واژه‌سازی بر پایه تکرار افزوده شکل گرفته است و مقوله‌های دستوری واژه‌های جدید، قید

و اسم مصدر هستند.

- مه‌نزل وه مه‌نزل (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۵۱)

[مه‌نزل (خانه)] اسم + [وه] + [مه‌نزل (خانه)] اسم > [مه‌نزل وه مه‌نزل (خانه به خانه)] قید مکان

- لهرزه‌لهرز (همان: ۶۵)

[لهرز (لرز)] اسم + [ه<sup>-</sup>] + [لهرز (لرز)] اسم > [لهرزه‌لهرز (لرزیدن)]

اسم مصدر

- کزه‌کز (همان: ۸۴)

[کز (ناله)] اسم + [ه<sup>-</sup>] + [کز (ناله)] اسم > [کزه‌کز (ناله کردن)] اسم

مصدر

### ۳-۴-۲- تکرار نوافزوده

فرایند تکرار نوافزوده (۲۲ مورد) در اشعار مورد بحث، همانند فرایند تکرار افزوده، فرایندی پایگانی است که در طی آن دو واژه تکراری بدون هیچ فاصله‌ای در کنار یکدیگر آمده و واژگانی با مقولات دستوری قید (۷ مورد)، اسم مصدر (۱۴ مورد) و اسم (۱ مورد) ساخته‌اند؛ برای مثال در واژگان زیر فرایند واژه‌سازی بر پایه تکرار نوافزوده شکل گرفته است و مقوله‌های دستوری واژه‌های جدید قید، اسم و اسم مصدر هستند.

- ده‌سه ده‌سه (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۵۱)

[ده‌سه (گروه)] اسم + [ده‌سه (گروه)] اسم > [ده‌سه ده‌سه (گروه

گروه)] قید حالت

- زِر زِر (همان: ۵۵)

[زِر (ناله)] اسم + [زِر (ناله)] اسم > [زِر زِر (ناله کردن)] اسم مصدر

- تون تون (همان: ۵۵)

[تون (تند)] قید + [تون (تند)] قید > [تون تون (با سرعت)] قید

حالت

- پهل پهل (همان: ۷۰)

[پهل (تکه)] اسم + [پهل (تکه)] اسم > [پهل پهل (تکه تکه)] قید

حالت

- یه ک یه ک (همان: ۷۸)  
 [یه ک (یک)] عدد + [یه ک (یک)] عدد > [یه ک یه ک (یکی یکی)]  
 قید حالت
- چه پ چه پ (همان: ۷۹)  
 [چه پ (دسته)] اسم + [چه پ (دسته)] اسم > [چه پ چه پ (دسته دسته)]  
 قید اندازه
- کور کور (همان: ۹۱)  
 [کور (نابینا)] صفت + [کور (نابینا)] صفت > [کور کور (نام خفاش)]  
 اسم
- گه له گه له (همان: ۸۱)  
 [گه له (دانه/تا)] اسم + [گه له (دانه/تا)] اسم > [گه له گه له (دانه دانه)]  
 قید اندازه

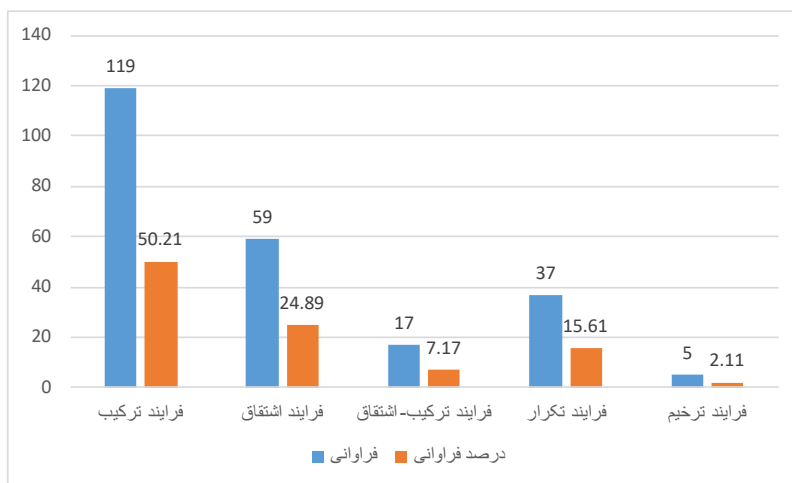
### ۳-۵- فرایند ترخیم

پنجمین فرایند واژه‌سازی به کار رفته در جریان واژه‌سازی در اشعار عامیانه مورد پژوهش این مقاله، فرایند واژه‌سازی ترخیم است که دارای بسامد ۵ موردی است. این فرایند نیز همانند سایر فرایندهای واژه‌سازی موجود در این پژوهش، دارای رویکردی پایگانی است که به دو صورت فرایند واژه‌سازی مرکب مرخم (۳ مورد) و مشتق مرخم (۲ مورد) نمود یافته‌اند و در همه موارد واژه جدید ایجاد شده دارای مقوله دستوری اسم است.

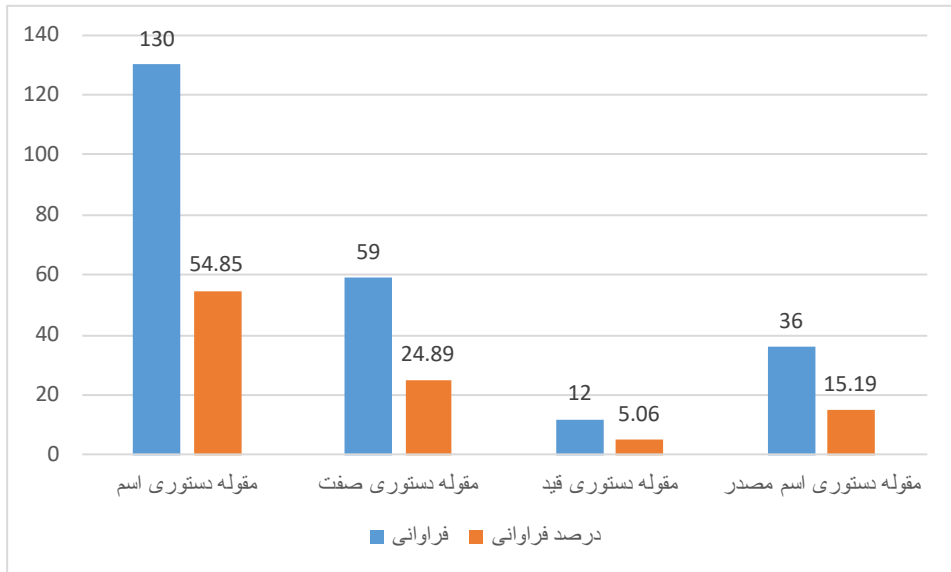
- سی پا (رحیمی زنگنه، ۱۳۹۲: ۶۱)  
 [سی (سه)] عدد + [پا (پایه)] اسم > [سی پا (سه پایه مشک)] اسم  
 حذف [-ه] از آخر واژه پا.
- هام سا (همان: ۶۲)  
 [هام (هم)] پیشوند کاری + [سا (سایه)] اسم > [هام سا (هم سایه)]  
 اسم حذف [-یه] از آخر واژه سایه.

فرایند های واژه‌سازی	ناپایگانی	پایگانی	مقوله دستوری اسم مصدر	مقوله دستوری قید	مقوله دستوری صفت	مقوله دستوری اسم	فراوانی
فرایند ترکیب	119	83	36	0	0	119	0
فرایند اشتقاق	59	32	20	0	7	59	0
فرایند ترکیب- اشتقاق	17	9	3	0	5	17	0
فرایند تکرار	37	1	0	12	24	37	0
فرایند ترخیم	5	5	0	0	0	5	0

جدول (۱) بسامدی فرایندهای واژه‌سازی در اشعار عامیانه گُردی کلهری با توجه به مقولات دستوری حاصل از آن‌ها



نمودار (۱) فراوانی و درصد فراوانی فرایندهای واژه‌سازی در واژگان غیربسیط اشعار عامیانه گُردی کلهری



نمودار (۲) فراوانی و درصد فراوانی مقولات دستوری واژگان غیر بسیط در اشعار عامیانه کُردی کلهری

#### ۴- نتیجه گیری

با توجه به موارد یاد شده و یافته‌های ذکر شده در جدول شماره یک و نیز داده‌های نمودارهای یک و دو، نتایج این پژوهش بیان کننده این امر است که در بررسی‌های انجام شده بر روی ۲۳۷ واژه غیر بسیط یافت شده در اشعار عامیانه کُردی کلهری در کتاب گنجینه برباد یاد، تنها ۵ فرایند واژه‌سازی (ترکیب، اشتقاق، ترکیب- اشتقاق، تکرار و ترخیم) از فرایندهای سیزده‌گانه دسته‌بندی شده توسط شقاقی (۱۳۸۶) در ساخت واژگان غیر بسیط این اشعار کاربرد یافته‌اند. در این بین فرایند ترکیب با ۱۱۹ مورد بسامدی و فرایند ترخیم با ۵ مورد بسامدی، به ترتیب بیشترین و کمترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند که این امر نشان‌دهنده گرایش به فرایند واژه‌سازی ترکیب در این واژگان، نسبت به سایر فرایندهای واژه‌سازی است. همچنین یافته‌های یاد شده در این پژوهش بیان می‌کند فرایندهای واژه‌سازی در این اشعار منجر به تولید واژگانی با چهار مقوله دستوری اسم، صفت، اسم مصدر و قید شده‌اند که در این بین مقوله دستوری

اسم با ۱۳۰ مورد بسامدی و مقوله دستوری قید با ۱۲ مورد بسامدی، به ترتیب بیشترین و کمترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. این امر نشان‌دهنده این است که فرایند واژه‌سازی در واژگان غیر بسیط به کار رفته در این اشعار، بیشتر با انگیزه ایجاد اسم انجام گرفته است. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تمامی فرایندهای واژه‌سازی در این اشعار بر اساس ساختار پایگانی ایجاد شده‌اند و هیچ موردی که فرایند واژه‌سازی در آن مبتنی بر فرایند ناپایگانی باشد، یافت نشد. نکته آخر درباره یافته‌های این مقاله این است که با توجه به ۵ فرایند واژه‌سازی به کار رفته در ساخت واژگان غیر بسیط در این پژوهش، هیچ فرایند جدید واژه‌سازی در این واژگان دیده نمی‌شود.

### منابع

- احمدی‌خواه، مهدی و علیرضا شوهانی (۱۴۰۱). «بررسی، تحلیل و دسته‌بندی بن‌مایه‌های دعا و نفرین در فرهنگ و ادب عامه کلهری». *پژوهشنامه ادبیات کردی*، سال ۸. شماره ۲، پیاپی ۱۴، صص. ۱۹-۳۴.
- اگریدی، ویلیام، مایکل دابرولسکی و مارک آرُنف (۱۳۸۶). *درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر*. ترجمه علی درزی، تهران: سمت.
- آهنگر، عباسعلی و همکاران (۱۳۹۴). «بررسی فرایند واژه‌سازی ترکیب در گونه زبانی رودبار جنوب». *ادب و زبان*، دوره ۱۸، شماره ۳۸، صص. ۵۴-۱۹.
- باوان‌پوری، مسعود، سکینه آزادی و وحید سجادی فر (۱۳۹۴). «پایه‌موری (رثا) در ادبیات شفاهی کردی جنوبی». *پژوهشنامه ادبیات کردی*، سال اول، شماره ۱، صص. ۷۷-۱۰۰.
- بدخشان، ابراهیم و محمد زمانی (۱۳۹۲). «تحلیل و توصیف فرایند حذف در زبان کردی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. سال ۵. شماره ۱، صص. ۱۹-۳۰.
- پرنیان، موسی (۱۳۸۰). *فرهنگ عامه کورد (کرمانشاه)*. پ ۱، کرمانشاه: چشمه هنر و دانش.

- تفرجی یگانه، مریم و نعمت جهان فر (۱۳۹۶). «فرایند تکرار در گویش کلهری بر اساس نظریهٔ بهیئگی». *زبان و گویش‌های ایرانی*، دور ۲. شمارهٔ ۲، صص. ۱۵۹-۱۴۱.
- خیرآبادی، محمد نبی، مهیار علوی مقدم و احمد خواجه‌ایم (۱۳۹۵). «بررسی فرایند واژه‌سازی در زادالمسافرین ناصر خسرو». *متن‌شناسی/ادب فارسی*، دورهٔ ۵۲. شمارهٔ ۲، صص. ۹۱-۱۰۸.
- دبیر مقدم، محمد (۱۳۷۶). «فعل مرکب در زبان فارسی». *مجلهٔ زبان‌شناسی*، سال ۱۲، شمارهٔ ۱ و ۲، صص. ۴۶-۲.
- رحیمی زنگنه و همکاران (۱۳۹۲). *گنجینه‌های برباد یاد*، تهران: کلک سیمین.
- ریپکا، یان (۱۳۸۰). *تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا امروز*. ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.
- سلطانی. محمدعلی (۱۳۷۰). *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاه*، تهران: سها.
- سهامی، علی (۱۳۸۴). *پیشینهٔ فرهنگی هوره*، کرمانشاه: پژوهنده.
- شرفخانی، مریم (۱۳۹۰). «فرایند واژه‌سازی در گویش کردی فیلی». *فرهنگ ایلام*، سال ۳، شمارهٔ ۳۲-۳۳، صص. ۱۷۷-۱۵۶.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۶). *مبانی صرف*، تهران: سمت
- صفی‌زاده بورک‌یسی، فاروق (۱۳۷۶). «پژوهشی پیرامون ترانه‌های باستانی هوره». *شعر*، شمارهٔ ۲۱. صص. ۸۷-۸۴.
- طباطبائی، علاءالدین (۱۳۸۴). «بررسی فرایند واژه‌سازی عامیانه، بر اساس فرهنگ اصطلاحات خودرو». *نامهٔ فرهنگستان*، دورهٔ ۷، شمارهٔ ۲، صص. ۲۰۱-۱۹۱.
- (۱۳۸۹). «فرایند واژه‌سازی در زبان فارسی و استقلال صرف و نحو». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، دورهٔ ۲. شمارهٔ ۲. صص. ۸۷-۹۹.
- کرمی، الهام، شجاع تفکری رضایی و عامر قیطوری (۱۳۹۹). «فرایند تبدیل در کردی کلهری». *زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی*، دورهٔ ۵. شمارهٔ ۲. صص. ۱۵۴-۱۳۴.



کرد زعفرانلو کامبوزیان، عالیّه (۱۳۸۳). «بررسی اسم و صفت مرکب در زبان فارسی معاصر». زبان دستور ۴۴ مقاله دربارهٔ دستور جدید، به کوشش غلامرضا عمرانی، تهران: لوح زرین.

میرزایی، رضوان (۱۳۹۴). فرایند واژه‌سازی در زبان کردی سورانی، دانشگاه کردستان.

ویسی، هیوا (۱۳۹۸). «نقدی بر تقسیم‌بندی شاخه‌های زبان کردی بر مبنای حوزهٔ جغرافیایی». پژوهشنامهٔ ادبیات کردی، دورهٔ ۵، شمارهٔ ۸، صص ۱۴۰-۱۲۵.